

بازداشت برای مطالبات حقوقی

توقیف شخص در کشور فرانسه بمعنی واقعی آن در قدیم نیست . در حقوق اولیه رم وقتی شخص از پرداخت دین عاجز میشد به درجه بندگی و بردگی تنزل مییافت و طلبکار حق داشت او را بکشد و یا بفروشد .

در زمان امپراتوری رم توقیف شخص بدهکار وسیله غیر مستقیمی برای الزام انجام تعهد مدیونی بود که با سوء نیت در پرداخت دین خود تعلل میکرد در حالیکه میتواند آنرا بپردازد .

چنین شخصی را توقیف میکردند بامید اینکه میل بازادی . او را وادار کنند که دین خود را بپردازد .

در فرانسه همیشه این رویه در باره بدهکارانیکه با سوء نیت از پرداخت دین خود اباہ کرده اند اجراء و معمول شده است .

توقیف شخص که در مواد ۲۰۰۹ و ۲۰۷۰ قانون مدنی تعیین شده تا سال ۱۸۶۷ اجراء میشد .

زندانی کردن اشخاص برای مطالبات حقوقی در آغاز قرن نوزدهم موضوعی بود که زیاد مورد شکایت و مسخره و انتقاد قرار گرفت . در زمان (لوئی فیلیپ) کاریکاتوریستها و انتقاد کنندگان با کاریکاتور و انتقاد های مزاح آمیز خود « زندان مطالبات حقوقی » را که در آنوقت در مرحله کلیشی قرار داشت معروف و مشهور عامه کردند .

قانون ۲۲ ژوئیه ۱۸۶۷ توقیف شخص را در تمام موضوعات حقوقی و تجارتي لغو کرد و فقط در موضوع جزائی آنهم برای پرداخت جرائم و غرامت و همچنین هزینه دادرسی در دادگستری بموجب قانون ۱۹ دسامبر ۱۸۷۱ باقی گذاشت .

وقتی توقیف شخص در برابر مطالبات حقوقی لغو گردید علمای از نویسندگان قانون و حقوقدانان برای تجدید و برقراری زندان برای مطالبات حقوقی کتابها و آثاری را بوجود آوردند که رساله حقوقی آقای دوویه ویل « DE BIEVILLE » که در سال ۱۹۰۴ منتشر گردید مقبولیت عامه یافت .

اما نهضت قانونگزاری هرگز باین جهت تمایلی نیافت و طبق ماده ۱۹ قانون دارائی مورخه ۳۰ دسامبر ۱۹۳۰ توقیف شخص در مقابل محکومیت های سیاسی لغو گردید و همچنین مدت زندانی شدن در جریمهای جزائی نیز تقلیل یافت .

اخیراً قانون شماره ۵۸-۱۲۹۶ مورخه ۲۳ دسامبر ۱۹۵۸ - قانون آئین دادرسی کیفری را تکمیل کرده و ماده ۷۴۹ این قانون مقرر میدارد :

بازداشت برای مطالبات حقوقی

« وقتی یک محکومیت جریمه یا هزینه دادرسی یا هر نوع پرداخت دیگری به نفع خزانه عمومی کشور بعلت ارتکاب جرمی که جنبه سیاسی و حبس دائم نداشته باشد بموجب حکم محکمه صادر گردید توقیف شخص محدود به موارد پیش بینی شده در بالا میگردد. »

« وقتی توقیف شخص برای تضمین پرداخت چند دین است مدت آن برحسب مجموع محکومیت‌ها تعیین میگردد. »

طبق شرح این ماده فقط خزانه‌داری کشور برای وصول طلب خود در موضوع جرائم و هزینه دادرسی در موضوع جزائی میتواند از توقیف شخص مدیون استفاده کند. متضررین و مدعیان خصوصی از حق توقیف برای مطالبات حقوقی و غرامت مورد درخواستشان در مقابل این قانون محروم شده‌اند.

آقای الک مه‌لور ALEC MEOOR دکتر در حقوق وکیل دادگستری پاریس کاملاً علیه این اقدام میباشد و مقاله او در مجله «حیات قضائی شماره ۶۶۷ مورخ ۱۹ و ۲۴ ژانویه ۱۹۵۹ درج گردیده است.

همچنین مقاله‌ای از او در مجله (گازت دوپاله) «مجله دادگستری» شماره ۴ و ۶ مورخ مارس ۱۹۵۹ منتشر گردیده است.

آقای ملور مینویسد گذشت و سخاوت دروغی قانون فقط بفتح اشخاص شریر و پست است و تمام مدعیان خصوصی و متضررین را در فراسه فدا و قربانی میکند.

و به اشخاص دزد، کلاهبردار، کلاش، که هیچ ندارند میدان میدهد تا بیشتر در پناه و حمایت قانون مردم دست درازی کنند.

مه‌لور در پایان میخواهد که قانونی وضع شود تا در مقابل هر طلب حقوقی چون گذشته در صورتیکه مدیون خود را نپرداخت توقیف و زندانی شود.

مجله دادگستری در شماره‌های ۲۶ و ۲۹ مورخ سپتامبر ۱۹۵۹ دو تصمیم در باره اجرای ماده ۷۴۹ قانون آئین دادرسی کیفری را منتشر میکند.

دادگاه حقوقی دیوان کشور هم در سوم ژوئیه ۱۹۵۹ رأی داده و مقرر میدارد که از هنگام اجرای قانون فوق نمیتوان شخص را توقیف و زندانی کرد مگر اینکه محکومیت جزائی داشته و رأی محکومیت او از محکمه کیفری صادر شده باشد.

در موضوع جریمه‌ایکه در اثر تصمیم رئیس اداره نظارت اقتصادی بر طبق قانون ۳۰ ژوئن ۱۹۴۵ باید گرفته شود ماده ۲۴ توقیف و زندانی کردن شخص بدهکار را پیش بین می‌کند ولی اجرای آن امروز عملی و مسکوت مانده است.

از طرف دیگر حکمی که از محکمه استیناف پو. «PAU» صادر شده است و تاریخ آن نهم ژوئن ۱۹۵۹ است باینقرار است :

مقررات ماده ۷۴۹ آئین دادرسی کیفری جدید امکان توقیف شخص را برای وصول طلب خود میدهد. ولی این موضوع در ماده ۲۵ قانون جزا بطور صریح و ضمنی لغو گردیده است.

بازداشت برای مطالبات حقوقی

چنانکه مشاهده میشود مقامات قضائی ارزش مخصوصی بقسمت پنجم آئین دادرسی کیفری که در حکم آئین نامه اجرائی قوه مجریه است میدهند.

این ارزش موضوع در یک تصمیم قضائی پایان افسانه قدیمی انفصال و تفکیک قواست و موضوعیکه مورد توجه ماست در این مسئله مطرح نیست.

محققاً موضوعی که به روح ما ضربت میزند اینست که توقیف شخص در مقابل طلب خزانه داری و دولت وجود داشته و اجرا میشود ولی برای اشخاص عادی و مدعیان خصوصی وجود نداشته و اجراء نمیشود!

برای دانستن حقیقت قضاوت در این موضوع باید دید مدعیان خصوصی در این مورد چه ادعائی کرده و باین وسیله دادرسی تثبیت بسته و چه نتیجهای از آن گرفته اند؟ وقتی بآماري که در گزارشهای رئیس کل زندانها منتشر شده است مراجعه می کنیم می بینیم:

دراول ژانویه سال ۱۹۵۶ جمع زندانیان در فرانسه ۱۹۵۴۰ نفر بوده است که از این عده فقط ۷۹ نفر بعلت مطالبات حقوقی توقیف و زندانی شده اند.

این تعداد در ماه مشابه یکسال بعد تقلیل یافته است چنانکه با مراجعه به آمار زندانها در ژانویه ۱۹۵۷ با اینکه تعداد زندانیان زیاد شده و بالغ بر ۲۰۲۳۱ نفر گردیده است با اینحال عده زندانیان مربوط بديون و مطالبات حقوقی به ۴۴۳ نفر رسیده است. بهمین ترتیب در اول ژانویه ۱۹۵۸ جمع زندانیان ۲۳۳۶۰ نفر بوده است که از این عده بازداشتی های مطالبات حقوقی ۳۴۶ نفر شده است.

پس روز بروز از عده زندانیان و توقیف شدگان برای مطالبات حقوقی کم میشود و متأسفانه آمار هم بازداشتی های مربوط بخزانه و دولت و توقیف شدگان مربوط بمدعیان خصوصی را از یکدیگر مشخص و جدا نمیکند ولی آنچه مسلم است این است که فعلاً دولت میتواند در مقابل طلب خود اشخاص بديون را توقیف و بازداشت کند.